



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استانداران سراسر کشور - 22 دی/ 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

البته من هیچ اصراری ندارم که در این جلسه مطلبی بگویم. شما غالباً حرفهای مرا می دانید. مطالبی که من در جلسات عمومی می گویم و پخش می شود، همان حرفهای ماست. به مسؤولان هم که می گوئیم، همین حرفهاست؛ با مردم هم که صحبت می کنیم، همین حرفهاست؛ بنابراین شما نظرات ما را می دانید؛ ولی حالا قرار جلسه را این طور گذاشته اند که يك مقدار شما بگوئید، يك مقدار هم ما عرض می کنیم. ان شاءالله خداوند، هم حرفهای شما و هم حرفهای ما را مورد رضای خودش قرار دهد و از ما و شما بپذیرد.

البته من در مجموع از استانداران - تا آن جایی که بعضی را از نزدیک دیده ام و درباره بعضی، خبرهایی شنیده ام - خشنود و راضی هستم. به نظر من مجموعه، مجموعه خوبی است. در استانهایی هم که ما سفر کرده ایم، از نزدیک دیده ایم که واقعاً استانداران و خانواده هایشان مردمان مؤمن، زحمتکش و بعضی واقعاً خوشفکر و متحرک هستند و کار می کنند. من وقتی بعضی از این تلاشها را در برخی از استانهایی که رفته ایم، می بینم، خدا را شکر می کنم. غالباً هم با نمایندگان ما - یعنی نمایندگان ولی فقیه که در مراکز استان هستند - ارتباطات خوب و منطقی و تفاهم آمیز و صمیمی دارند؛ این خوب است. گزارشهایی هم که در زمینه شاخصهای اشاره شده به ما می دهند، غالباً مثبت است. انسان وقتی به بعضی از استانها نگاه می کند، می بیند همه شاخصها مثبت است. البته گزارشهایی که دست من می آید، گزارشهای استاندار نیست؛ بنده قبل از سفر، از مجموعه گزارش می گیرم. اطلاعاتم نسبت به مسائل آن استان نسبتاً خوب است؛ بعد هم وقتی از نزدیک مشاهده می کنم، می بینم خوب است و کار می شود. ما این را فضل الهی و لطف پروردگار می دانیم و مایلیم همین هم ادامه پیدا کند و دنبال شود.

قبل از پرداختن به مسائل مورد توجه بعضی از آقایان، به نظر من مطالبی مهمتر از مسأله انتخابات وجود دارد. انتخابات چون مسأله روز است، اگرچه گذراست، اما بالاخره هیجانی دارد و توجهات را به خودش جلب می کند؛ من هم خلاف انتظارم نیست که شما به عنوان استاندار و مسؤول يك مجموعه، توجهتان به این مسأله جلب شود؛ لیکن باید مراقب بود که مسائل اصلی جای خودش را با مسائل موسمی عوض نکند. به اعتقاد من الان مسأله اصلی ما در استانها این است: برنامه چهارم - که علی القاعده با تغییرات مختصری در مجلس تصویب خواهد شد - و چشم اندازی که این برنامه متکی به آن است و در مسیر رسیدن به آن چشم انداز، این برنامه تنظیم شده است، ایجاب می کند که استانها هر کدام يك مسؤولیت جدی، فوری و بی وقفه برای تحقق این برنامه احساس کنند. البته به زبان می شود گفت که بله، همین طور است؛ منتها در عمل، بسیار دشوار و تلاش طلب است. دشوار که می گوئیم، به معنای نشدنی نیست؛ یعنی بالاخره حرکت می خواهد، همت می خواهد، چشم پوشی از خیلی چیزها می خواهد، تا انسان حرکت کند و این محقق شود. به نظرم من در قزوین در يك سخنرانی این نکته را گفتم که در موقع تنظیم چشم انداز بیست ساله، بر اساس محاسبه، این طور فهمیده شد که این چشم انداز قابل تحقق است؛ مشروط بر این که ما حرکت و تلاش کنیم و مجموعه راه بیفتد.

اشخاص ملاک نیستند؛ نه من شخصاً ملاکم، نه شما شخصاً ملاکید، نه فلان وزیر یا فلان وکیل یا فلان رئیس جمهور ملاک است. آنچه مهم است، این است که حرکت ما نهادینه شود. کسی هم که باید اثر کار خودش را تا آخر باقی بگذارد، من و شما مییم که الان هستیم. بر اساس این پایه ها، کار بعدیها درست خواهد شد. این طور نباشد که ده سال دیگر من نباشم، شما هم نباشید، بعد کسانی بیایند و بگویند اینها ابتدا باید این کارها را می کردند و نکردند و ما الان نمی توانیم این وظیفه را انجام دهیم؛ و خدای نکرده در این حرف صادق باشند. به نظر من این کار همت می خواهد.



حرفهایی که مسؤولان در مرکز می زنند، نه این که اهمیت ندارد - چرا، همه کارهای عالم از فکر و حرف شروع می شود؛ بنابراین خیلی اهمیت دارد - منتها این اهمیت متعلق و مرتبط است به آن طرف قضیه که عمل است؛ آن عمل هم دست شماست که در استانها هستید. من الان هم همان حرف همیشه را تکرار می کنم. من یک وقت گفتم ما یک کشور داریم و یک وزیر کشور؛ و استانداران هم هر کدام مثل نخست وزیری هستند که در هر استان کار می کنند. الان هم معتقدم استاندار در استان نقش نخست وزیر را دارد. کار نخست وزیر فقط هماهنگی نیست. کار اساسی شما حفظ استان و پیشرفت استان و گنجاندن استان در پازل تحرک و توسعه و آبادانی کل کشور است. استان شما باید در جای خودش قرار گیرد تا این نقشه پر شود. بنابراین حضور و فعالیت و تلاش جدی شما در استان، فراتر از همه امواج زودگذر سیاسی و غیر سیاسی است. این یک نکته بسیار مهم است و من روی آن تأکید می کنم.

باید به دقت برنامه را مورد توجه قرار دهید و آن را دنبال کنید. خیلی از اوقات شما مثل کودکی هستید که از پستان مادر شیر می مکد. این نه جسارت به شماست که تشبیه به کودک می شوید، نه جسارت به دولت که تشبیه به مادر می شود. امکانی را که برای بخش شما وجود دارد، می توانید بکشید. البته این نکته را هم همین جا بگویم: من به استانی اندیشی به معنای جزیره مستقل، هیچ توصیه نمی کنم. بله، از نظر من، مسؤول و رئیس هر بخش وقتی ممدوح است که بیاید سینه اش را سپر کند و از بخش خود دفاع نماید. چند سال پیش یکی از دوستان که مسؤول یک بخش ورزش کشور بود، با نیروهای مسلح اختلافی داشت و پیش ما آمده بود تا آن را حل کنیم. او از بخش خود خیلی دفاع می کرد. گفتم از این دفاعی که تو از بخش خودت می کنی و این طور مجدانه و پرشوق پیگیر کار هستی، من لذت می برم. قطعاً حرف تو را قبول نخواهم کرد؛ چون حق را به تو نمی دهم؛ ولی از این کارت خوشم می آید.

واقعاً از این که یک استاندار بیاید و از استان خودش مجدانه، با شوق و با حمیت دفاع کند، من خوشم می آید؛ منتها فکر نشود که این استان یک جزیره جداگانه است؛ نه، استانها باید همدیگر را به تعبیری هم افزایی کنند؛ یکدیگر را حفظ و کمک کنند. هر استان جزئی از مجموعه کشور است؛ این را من مجدداً توصیه می کنم. در این چارچوب حرکت کنید. این که ما بیاییم مجموعه حکومت را به بیست و چند استان تقسیم کنیم، یا تقسیم قومی کنیم، یا تقسیم عقیدتی کنیم، غلط است. تجزیه حکومت با هر عنوان و تحت هر نام، یک حرکت ضد حکومت است؛ اقدامی است برای زمینگیر کردن حکومت. حکومت باید یکپارچه باشد تا بتواند وظیفه اش را انجام دهد. خیلی از شما در مسائل انقلاب بوده اید و می دانید که از اول انقلاب هم مهمترین کار سیاسی ای که از درون انجام می گرفت، تجزیه حکومت بود. من نمی گویم این کار را از اول امریکاییها می کردند؛ نه، از اول، خودمان می کردیم. متأسفانه انگیزه های درونی ما این کار را می کرد؛ اما شک هم ندارم که دستگاههای جاسوسی و سیاسی دنیا و سیاستگذاران بین المللی کور نیستند؛ بنابراین از امکان به این خوبی چرا استفاده نکنند؟ اگر بتوانند، استفاده می کنند؛ اگر بتوانند، آتش آن را داغ می کنند. حواستان جمع باشد و مراقب باشید به دام تجزیه حکومت نیفتید. تفریق و تقسیم و بخش بخش کردن حکومت، از اقدامهای ضدحکومتی است.

من بارها گفته ام راه را اگرچه ناهموار، اما روشن و مستقیم و پیمودنی می بینم. مطالبی هم که بعضی از شما دوستان از استانهای خود نقل کردید، همه مؤید همین نظر است. در انگیزه و قوت حرکتیمان هیچ کمبودی وجود ندارد؛ بنابراین هیچ دلیلی ندارد که ما نتوانیم در این راه دشوار و ناهموار و احياناً پیچ در پیچ پیش برویم و به قله برسیم. چشم انداز بسیار روشن است و افق روشنی در مقابل ما قرار دارد. البته گاهی متأسفانه می شنوم که بعضی از مسؤولان در گوشه و کنار کشور حرفهای حاکی از یأس خود می زنند. به نظر من اگر کسی چنین فکر کند، خیلی کوتاه بینی و کوتاه نظری است. نه؛ ارکان نظام، مستحکم است؛ استعداد درونی و ظرفیت نظام، بسیار بالاست؛ قدرت



موجود، هم در ارکان نظام و هم در پشتیبان آن ارکان - که مردم هستند - بسیار بالاست. شما اجتماعات مردم و حرکت جوانان را می بینید. در مسافرت‌هایی که بنده به استانهای شما می کنم، شما از نزدیک این قضیه را شاهدید. شما که این شبهه را ندارید که ممکن است از فلان جا جمعیتی را سوار کرده و آورده باشند؛ شما خودتان آن جا حاضر و ناظرید و می بینید قضیه چیست؛ می بینید مردم صادقانه به انقلاب ابراز احساسات می کنند. شخص من اصلاً اهمیت ندارد. خدا را شکر می کنم که به نظر خود من، این موضوع بسیار کم اهمیت تر از نظر کسانی است که ممکن است از بیرون نگاه کنند. مسأله این است که اینها به نظام اعتقاد دارند و نظام را در قالب مجموعه ای و یا در قالب من و شما می بینند و به ما احترام می گذارند. مسأله، مسأله اعتقاد به دین است. نکته ای که آقای استاندار کرمانشاه گفتند، کاملاً درست است. همه جا همین طور است؛ یعنی اعتقاد مردم نسبت به آینده، نسبت به وضع کنونی و نسبت به چالشهای کشور این است. مردم معتقد به اسلام و جمهوری اسلامی اند؛ ما چرا این را دست کم بگیریم؟ این چیز خیلی مهمی است. سعی کنید در دام کسانی که تبلیغات می کنند و می خواهند این حقیقت را از نظر ما پوشیده بدارند، نیفتید.

واقعاً قدرتی که در اختیار من و شماست، نه متعلق به اشخاص ماست، نه متعلق به حزب و گروهی است، نه متعلق به جناحی است؛ متعلق به نظام است. توانایی و اختیاراتی هم که در اختیار من و شماست، مساوی است با مسؤولیتها و وظایف ما. ما هیچ اختیاری که منهای مسؤولیت و وظیفه باشد، اصلاً نداریم و اگر برخلاف این عمل کنیم، هر کدام ما - چه من باشم، چه شما باشید، چه وزیر باشد، چه وکیل باشد - هم پیش خدا مسؤولیم و هم به خودی خود از اهلیت ساقطیم. این که شنیده اید اگر رهبری از مسؤولیتها تخلف کند، چه کسی او را عزل کند، چه نکند، خودش از رهبری ساقط می شود - یعنی هر حرف و تصرف و فعل و ترک او خلاف شرع است - در مورد همه شما و همه مسؤولان نظام هم همین طور است. اگر خدای نکرده از مسؤولیت‌هایی که اسلام و ایمان و شریعت برای ما قرار داده، تخلف کنیم، از ظرفیت لازم می افتیم؛ مثل آبی که از گریفتند؛ آن وقت دیگر قابل اعتصام نیست. با توجه به این نکات، چه باید کرد؟ همه استانهای کشور جزو ایرانند و ایران بخصوص امروز واقعاً یک سرزمین مظلوم است. ما به این جرم مورد تهاجم قرار می گیریم که خواسته ایم مستقل باشیم، روی پای خود بایستیم و به ملتمان متکی باشیم. دشمنی‌هایی که با ما می شود، بر این اساس است. کسانی که بهانه می تراشند، معتقدند که این بهانه ها حقیقی نیست؛ واهی است. نباید در این دام بیفتیم؛ باید مراقبت کنیم.

مطالبی که شما آقایان فرمودید، خوب و قابل توجه است. البته بعضی از منطق‌هایی که بیان شد، ضعیف بود. این چه منطقی است که فرضاً گفته شود یک نفر رئیس دادگستری را رد کرده اند؟ این شد استدلال؟ گفته شد ما جواب مردم را چه بدهیم؟ اتفاقاً به مردم بگویید خیلی هم خوب است؛ دستگاه نظارت، دستگاه خیلی خوبی است که چاقو دسته اش را می بُرد. در همه دنیا، چاقوها دسته خودشان را نمی بُرند؛ اما این جا چاقو دسته اش را بریده. یا گفته شده فلان کسی را که در عراق خبرنگار است، رد کرده اند؛ این منطقی نشد که ما بر اساس آن فکر کنیم. اما حرف شما قابل توجه است. البته اگر آقایان هیأت نظارت هم این جا بیایند و با من جلسه داشته باشند، قاعدتاً علیه شما حرف‌هایی خواهند زد. من نه وکیل مدافع شمایم، نه وکیل مدافع آنها - این هم معلوم باشد - من وکیل مدافع قانونم، و در درجه اول قانون اساسی.

من معتقدم باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب می شود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم، باید عمل کنیم، و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد بهتر از بی قانونی و نقض قانون است. این که ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب درمی آید، قبول داشته باشیم؛ هر جا نتیجه اش طبق میل ما از آب در نمی آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست. من معتقدم قانون باید ملاک باشد؛ اما این که در این



مجموعه مورد تنازع، کی قانون را رعایت کرده، کی قانون را شکسته، بین شما و آنها محلّ اختلاف است. آن روز من با آقای موسوی لاری صحبت می کردم و به نظرم همین نکته را گفتم. شما چیزهایی می گوئید، آنها هم چیزهایی می گویند؛ آیا می توان ادعای یک طرف را همین طوری قبول کرد؟ نه.

اگر به جای حسّاسی برسد و محتاج تصمیم گیری باشد، و اگر نوبت از مراحل قانونی بگذرد و به رهبری برسد، شکی نیست که بنده وارد می شوم و به آنچه تشخیص می دهم وظیفه است، عمل خواهم کرد؛ کما این که تا الان هم چنین چیزی اتفاق افتاده است؛ در مورد انتخابات هم اتفاق افتاده و باز هم همین طور خواهد بود؛ اما این معنایش این نیست که اگر شما صلاحیت کسی را تأیید کردید و دیگری رد کرد، یا شما رد کردید و دیگری او را قبول داشت، لازم باشد رهبری وسط بیاید و بین شما و آنها داوری کند؛ نه، مجرای قانونی و روش قانونی وجود دارد. یا مثلاً اگر شما صلاحیت کسی را تأیید کردید و او صالح نبود و از زیر دست شما رد شد، ممکن است بنده او را بشناسم و به این کار راضی هم نباشم؛ اما من هیچ وظیفه ای ندارم بیایم جلو این آدم را بگیرم؛ مجرای قانونی اش را طی می کند. شما وزارت کشور هستید و کار خودتان را می کنید؛ شورای نگهبان و هیأت نظارت هم مسؤولانی هستند و کار خودشان را می کنند. طبق قانون هم هر دوی شما موظفید عمل کنید؛ اگر هم هر کدام برخلاف قانون عمل کنید، یک راه قانونی وجود دارد. این طور نیست که ما بگوییم کار شما را قبول نداریم، چون آن را خلاف قانون می دانیم؛ یکی دیگر هم به ما بگوید کار شما را قبول نداریم، چون آن را خلاف قانون می دانیم. قانون، مشخص و واضح است و زبان روشنی دارد و باید طبق آن عمل شود.

بعضی از آقایان گفتند حالا که موضوع به شورای نگهبان رسیده، تبلیغ عدم تشّج شده است. لابد می گوئید رادیو و تلویزیون این کار را کرده است. ممکن است اشکال به رادیو و تلویزیون وارد باشد؛ ولی بنده وکیل مدافع رادیو و تلویزیون هم نیستم؛ همه این را بدانید و خیلیها هم می دانند؛ اما فراموش نکنید که عده ای از چندی پیش تهدید به تشّج می کنند. بله؛ وقتی تهدید به تشّج می شود، از آن طرف هم باید کسانی بگویند مبادا تشّج شود. من هم به شما می گویم که تشّج به کلتی غیرقابل قبول است. وظیفه اوّل شما این است که در استان مراقب آرامش و امنیت باشید تا بتوانید انتخابات را واقعاً خوب، سالم و قوی برگزار کنید. خیلیها هستند که منتظر بهانه اند، برای این که جنجال و تشّج کنند. البته شکی نیست که شما باید با این قضیه مقابله کنید.

ان شاءالله خداوند به شما کمک کند و موفق و مؤید و مشمول الطاف و هدایت الهی باشید. ضمناً ما از آقایان استاندارانی که در این یکی دو سال اخیر به استانهای آنها رفته ایم، توقع داریم که اگر در قرارهایی که در سفر ما گذاشته شده، کندی، لنگی و یا گیری وجود دارد، آن را با ما در میان بگذارند تا اگر لازم است، برای رفع آن کمک کنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله